



معنویت و عرفان در عرض دین قرار نمی‌گیرند / رابطه دین و معنویت از منظر درون دینی و بیرون دینی

یک کارشناس ادیان تطبیقی با بیان اینکه از منظر درون دینی معنویت گرایی و عرفان رابطه‌ای طولانی با دین دارند و در عرض آن قرار نمی‌گیرند که یکی از آنها بتواند...

یک کارشناس ادیان تطبیقی با بیان اینکه از منظر درون دینی معنویت گرایی و عرفان رابطه‌ای طولانی با دین دارند و در عرض آن قرار نمی‌گیرند که یکی از آنها بتواند جای آن دیگری را بگیرد، گفت: از منظر برون دینی معنویت یا عرفان مقولاتی بیرونی یا منقطع و منسلخ از دین تلقی شده‌اند که در نتیجه می‌توانند در عرض آن قرار بگیرند و حتی جایگزین آن شوند.

دکتر عبدالرحیم گواهی، عضو فرهنگستان علوم و کارشناس ادیان تطبیقی در گفتگو با مهر در پاسخ به این سؤال که تفاوت دین با معنویت و عرفان چیست؟ چرا نباید معنویت جای دین را بگیرد؟، گفت: این پرسش را می‌توان از دو منظر درون دینی و برون دینی پاسخ داد. از منظر درون دینی معنویت (گرایی) و عرفان رابطه‌ای طولانی با دین دارند و در عرض آن قرار نمی‌گیرند که یکی از آنها بتواند جای آن دیگری را بگیرد.

وی افزود: بدین ترتیب که مثلاً معنویت‌گرایی اسلامی، همانند موضوعات دیگری چون اخلاق اسلامی و غیره، ذیل مقوله دین اسلام قرار می‌گیرد، یا اینکه مثلاً عرفان هندویی مدخل دین هندویی قرار می‌گیرد و با آن رابطه‌ای طولی دارد و در نتیجه جزء اجزاء و زیرمجموعه‌های آن قرار می‌گیرد.

گواهی در ادامه سخنانش اظهارداشت: از منظر برون دینی معنویت یا عرفان مقولاتی بیرونی یا منقطع و منسلخ از دین تلقی شده‌اند که در نتیجه می‌توانند در عرض آن قرار بگیرند و حتی جایگزین آن شوند. هر چند اینکه معنویت منسلخ و منقطع از وحی چگونه معنویت است و یا اینکه عرفان منفصل از دین - فرقی نمی‌کند که کدام دین - چگونه عرفانی است مطلبی است که جای بحث و حدیث فراوان دارد.

این کارشناس ادیان بیان کرد: از طرف دیگر، دین یک راه است، یک "راه مستقیم": "و اینّ هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه" (انعام، 6/153)، راه طی یک "حیات معقول" (استاد جعفری محمدتقی، فلسفه و هدف زندگی، موسسه تنظیم و نشر آثار علامه، 1379) یا "حیات طیبیه الهی" (نمل، 16/97) و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و دستیابی به کمال و آرامش و آسایش ابدی نزد خداوند رب العالمین، در هر حالی که معنویت یا عرفان منقطع از وحی بیشتر یک باور یا رویکرد روحی - نفسانی است که چندان روشن نیست از کجا سرچشمه می‌گیرد و می‌خواهد به چه هدف و غایتی دست پیدا کند؟

وی در ادامه سخنانش تأکید کرد: بدیهی است در حوزه دین همه امور و شعب معارف دینی، از تبیین علم دینی، اخلاق دینی، معرفت دینی، معنویت دینی، و فلسفه و حکمت دینی از آبشخور سرچشمه وحیانی دین سیراب می‌شوند دست در حلقه آن محبوب ازلی و ابدی دارند. در حالی که در حوزه برون دینی این قبیل معنویت گرایی‌ها و عرفان‌های نوظهور کم و بیش فاقد پشتوانه متافیزیکی درخوری می‌باشند.

وی تصریح کرد: البته در سنوات اخیر کسانی سعی کرده‌اند تا بر معنویت‌گرایی‌های منفصل از وحی نیز یک سلسله آداب و احکام بیرونی باز کنند که در این صورت می‌شود گفت ناخواسته یک دین جدید درست کرده‌اند، مثل همه ادیان جدیدی که امروز تحت نام‌های مختلف در شرق و غرب عالم رواج داده‌اند.

گواهی با اشاره به اینکه بگذریم که همچنین برخی معنویت‌گرایی‌ها بیرون دینی و لیکن خدا‌باوراند، منتها فارغ از احکام و تکالیف شرعی یا بخش شریعت، نیز رواج داده‌اند که آن قصه دیگری است. (در این باره و بسیاری از مطالب مرتبط نک. نصر سید حسین، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، 1380)، بیان کرد: اما در پاسخ به این سؤال که چرا نباید معنویت جای دین را بگیرد؟ عرض می‌کنیم که اولاً همه ادیان کم و بیش ابعاد معنوی مخصوص به خود را دارند و نیازمند معنویت بیرونی نیستند؛ ثانیاً معنویت درون دینی دارای پشتوانه است و معنویت برون دینی - حداقل از منظر دینی - بدون پشتوانه محکم عقلانی؟

وی افزود: ثالثاً دین‌باوری مجموعه‌ای کل‌نگرانه است که همه ابعاد وجودی و نیازهای جسمی - روحی بشر را مورد توجه قرار می‌دهد، در حالی که معنویت‌گرایی جدید مقوله‌ای تک بُعدی است که حداکثر تنها به یک بُعد از نیازمندی‌های روحی بشر می‌پردازد؛ رابعاً دین باوری برای انسان یک سلسله وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی مقرر می‌دارد که همان نیز به ساخته شدن و استکمال روحی افراد کمک می‌کند، درحالی که معنویت‌گرایی جدای از دین بیشتر به نوعی شانه خالی کردن از این وظایف و مسئولیت‌ها می‌ماند و سرانجام اینکه خامساً پرسش از اینکه چرا نباید معنویت جای دین را بگیرد سوالی قدری ناپخته و شبیه به این است که کسی مثلاً بپرسد چرا علم یا اخلاق نباید جای دین را بگیرد؟ اینها هر کدام مفاهیم و مقولاتی جداگانه هستند که اغراض، مقاصد، و اهداف جداگانه‌ای را هم نمایندگی می‌کنند و چنان نیست که همپوشانی کامل داشته باشند و یکی بسادگی بتواند جای آنرا بگیرد.